

به عنوان رفع تب استفاده بعمل می‌آورند.

گونه‌های کم ارزش دیگری نیز وجود دارد که از میوه آنها روغن استخراج می‌شود ولی چون مصارف درمانی مهم ندارند و بعلاوه در ایران نمی‌رویند از ذکر آنها خودداری شده است.

**Galeopsis ochroleuca* Link.

G. dubia Leers ، *G. grandiflora* Roth.

فرانسه : *Galiopé* ، *Galéopsis à grandes fleurs* ، *Chanvre sauvage* ؛

انگلیسی : *Yellow Iron Wort* ، *Downy - Hemp - N.* ، *Hemp - Nettle* ؛

آلمانی : *Hanfnesselkraut* ایتالیائی : *Gallinaccia* عربی : رأس الهر (۱)

گیاهی علفی، یکساله و دارای فرم‌ها و نمونه‌هایی با مشخصات غیر یکسان است مانند آنکه در نواحی کوهستانی مرتفع، به صورت چند ساله درمی‌آید و یا به علت پیدایش حالات غیر طبیعی حتی در جام گل (جام درازتر از حد طبیعی)، به اشکال متفاوت جلوه می‌کند. ساقه آن به تناسب شرایط محیط زندگی، دارای ارتفاع متغیر ۰ تا ۸ سانتیمتر می‌گردد. پراکندگی آن بیشتر در مزارع، زمینهای بایر و دامنه کوهستانهای غالب نواحی مرکزی و غربی اروپا و همچنین دانمارک است ولی در ایران یافت نمی‌شود. برگ‌هایی با پهنک بیضوی دراز، دنداندار، پوشیده از کرکهای ظریف در سطح تحتانی پهنک و گل‌هایی به رنگ زرد روشن یا سفید سایل به زرد و گاهی صورتی یا قرمز دارد.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف آن دارای هیدراتهای کربن، قندهای مختلف، تانن به مقدار ۰ درصد (حتی بیشتر)، فیتوسترین، اسیدهای اولئیک و استئاریک، نوعی رزین، فلویافن *Phlobaphène* و یک ماده تلخ است.

L. Kroeber در سال ۱۹۲۲، از آن نوعی ساپونین استخراج نمود. خاکستر گیاه

دارای اسلح فراوان کلسیم، پتاسیم، منیزیم، سیلیس و غیره است.

طبقه بندی تانن‌ها، بر اساس پلی فنل پایه (*polyphénol*) و طبیعت هتروزیدی یا غیر آن که دارند پایه گذاری شده است. از این نظر، گروه بزرگ به نام تانن‌های پیروگالیک (*Tanins pyrogalliques*) و تانن‌های پیروکاتشیک (*Tanins pyrocatechiques*) در آنها تشخیص داده می‌شود.

۱ - رأس الهر (*Râ's el hirr*) ، نامی است عربی که به گونه‌های مختلف *Galeopsis*

اطلاق می‌شود.

۱ - از تانن‌های گروه اول یعنی تانن‌های پیروگالیک، بهترین مثال، تانن *Noix de Galle* است.

۲ - تانن‌های فلویافنیکیک *Tanins phlobaphéniques* (*Tanins phlorogluciques*) ، *Tanins pyrocatechiques*) ، شامل تعداد زیادی از تانن‌های گیاهی می‌شود. این تانن‌ها، با تانن‌های گروه اول (پیروگالیک) دارای این اختلاف‌اند که اگر با اسیدهای رقیق در حال جوش



ش ۲۸ - *G. ochroleuca* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

مجاور شوند، مواد متفاوت ایجاد می‌کنند مانند آنکه اگر تانن‌های پیروگالیک بر اثر تجزیه ساده، ایجاد قند و یک ماده غیر گلوئیدی (*Aglucone*) می‌نمایند، تانن‌های گروه دوم ایجاد یک رسوب رنگی به نام فلویافن *phlobaphène* می‌کنند. تانن‌های فلویافنیکیک از پلی سرهای (*polymère*) کاتشول و یا ایزومر آنها به حساب آورده می‌شوند.

تشکیل فلویافن‌ها، به کیفیت اکسیداسیون که ایجاد آئیدریدها و مواد حاصل از تراکم

آنها (تحت اثر دیاستازهای اکسیدان) می‌نماید بستگی دارد. مانند آنکه قرمزکولا (rouge de Cola، قرمزکنکینا، فلویاقن‌هائی می‌باشند که از اکسیداسیون کلانتین Colatine و اسید کینوتانیک acide quinotannique نتیجه می‌شوند (Perrot).

خواص درمانی - اعضای مختلف این گیاه، اثر خلط‌آور دارد که به علت وجود مواد رزینی و معطر در آن است. چون با تجربیاتی که توسط L. Kroeber در سال ۱۹۳۷، W. Ripperge و دیگران بعمل آمد، در دفع ترشحات مخاطی سینه و اخلاط، اثر مفید ظاهر می‌کند از این جهت می‌توان از آن بطور ساده یا مخلوط با گیاهانی مانند بنفشه، پامچال، بارهنگ، زوفا و غیره که اثر مشابه دارند، در رفع نزله‌های ششی سزمن و ناراحتی‌های دستگاه تنفس حتی در مسلولین به منظور سهولت دفع اخلاط استفاده بعمل آورد.

Dr. W. Bohn در سال ۱۹۲۷، مصرف آنرا در رفع کم‌خونی، لوسمی (افزایش گلبول-سفید در خون)، تراکم خون در طحال و احساس درد در این عضو، مؤثر اعلام داشت.

صور داروئی - جوشانده ۱۰ تا ۲ گرم گیاه در یک لیتر آب به عنوان خلط‌آور - دم کرده ۳ گرم گیاه در یک لیتر آب به صورت چای، برای مصرف در یک روز به منظور تجدید قوا (به این دم کرده می‌توان گیاهانی با اثر مسکن سرفه افزود).

باید توجه داشت که جمع‌آوری گیاه به منظور استفاده‌های درمانی، حتی المقدور باید در موقعی صورت گیرد که گیاه در مرحله نمو باشد زیرا در غیره اینصورت اگر در سرحاله نزدیک به پژمرده شدن گیاه انجام گیرد، اثرات درمانی آن قابل ملاحظه نخواهد بود.
این گیاه در ایران نمی‌روید.

*Galeopsis Tetrahit L.

فرانسه : Herbe de Hongrie ، Chanver bâtard ، Ortie - royale

انگلیسی : Wild Hanf ، Hanfnessel ؛ آلمانی : Wild - Hemp

ایتالیائی : Erba - dell - Indivia ، Canapa salvatica

گیاهی علفی، یکساله یا دوساله و دارای نمونه‌هایی با ظاهر متفاوت و ساقه‌ای به ارتفاع حداکثر تا ۸ سانتیمتر است. در سزارع، حاشیه جنگلها و محل عاری از درخت آن، کنار جاده‌ها و حدود آبادیها می‌روید. در غالب نواحی اروپا، نقاط غربی، مرکزی و جنوب غربی آسیا می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌شود. از مشخصات آن این است که ساقه‌اش در گیاه تازه، دارای توری در ناحیه زیرگره‌ها است بعلاوه این ناحیه از تارهای خشن نیز پوشیده است.



ش ۲۹ - Galeopsis Laddanum : گیاه کاسل‌گلدار به اندازه طبیعی (Kom.)

برگهائی با پهنک بیضوی، دنداندار و مدور در انتها دارد. گل‌های آن که در فاصله ماههای تیر تا مهر ظاهر می‌شود به رنگ ارغوانی، متقوس به لکه‌های زرد یا صورتی رنگ و سفید است. زنبور عسل، کمتر به سمت گل‌های آن جلب می‌گردد.

قسمت مورد استفاده این گیاه کلیه اندام‌های آن است.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف این گیاه دارای اصلاح پتاسیم به مقدار خیلی زیاد است. در دانه اش، مواد روغنی فراوان ذخیره می‌گردد که برای مصارف صنعتی استخراج می‌شود.

خواص درمانی - از کلیه اعضای این گیاه سابقاً برای رفع نزله و درمان بیماری‌های سینه و سل استفاده بعمل می‌آمده است.

از دانه آن پس از له کردن و تأثیر دادن بخار آب، روغنی به وسیله فشردن در صفحات فلزی مخصوص، به دست می‌آید که اثر خشک شونده دارد و از آن برای مصارف سوخت و روشنائی و تهیه ماسنیک جهت شیشه بری استفاده می‌گردد.

روغن مذکور طبق بررسی‌هایی که توسط Ivanow بعمل آمده دارای اندیس صابونی - بین ۱۹۵ تا ۲۰۴ و اندیس ید بین ۱۳۳ تا ۱۳۵ است.

این گیاه در ایران نمی‌روید.

از گونه‌های مفید ولی کم ارزش این گیاهان که آنها نیز در ایران یافت نمی‌گردند به شرح انواع زیر اکتفا شده است:

G. Laddanum L. - گیاهی علفی، بسیار کوچک، یک یا چند ساله و دارای ساقه‌ای منشعب و کوتاه، به ارتفاع ۵ تا ۸ سانتیمتر است. برگ‌های باریک یا بیضوی دراز با دندان‌های کم و گل‌های به رنگ ارغوانی و گاهی سفید (بالک‌های مشخص در لب تحتانی) دارد.

در غالب نواحی اروپا، همچنین مغرب و جنوب غربی آسیا می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌شود.

زنبور عسل از گل‌های نسبتاً درشت آن نوش بسیار عالی به دست می‌آورد و از این جهت است که در نواحی محل رویش این گیاه، غالباً اقدام به پرورش زنبور عسل می‌گردد.

در خاکستر آن، مانند گیاه قبلی اصلاح فراوان پتاسیم، سدیم، کلسیم، سیلیس و مواد مختلف دیگر یافت می‌شود.

از نظر درمانی، دارای خاصیت رفع نزله است و سابقاً از آن برای درمان بیماری‌سل استفاده بعمل می‌آمده است.

G. versicolor Curt.، گیاهی علفی و دارای برگ‌های بیضوی نوک تیز و گل‌های

به دو رنگ متمایز، یکی زرد گوگردی (در لب فوقانی) و دیگری بنفش (در لب تحتانی) است. در تمام نواحی اروپا، شمال و جنوب آسیا نیز پراکنده‌گی دارد.

اثر درمانی رفع نزله دارد و سابقاً از آن برای درمان بیماری‌های سینه مانند سل استفاده می‌شده است.

* **Stachys Betonica** Benth.

S. officinalis Fr. ، *Betonica officinalis* L.

فرانسه : Bétoine pourpré ، Belle tête ، Bétoine ، Bétoine officinale

انگلیسی : Wound - Betony ، Betony ، Bishop's - Wort ، Purple - Betony

آلمانی : Betonienziest ، Betonien ، Rote - Betonic ، Zehrkrout

ایتالیائی : Vettonica ، Betonica - عربی : شاطرا (Shâtrâ) ، بتونیکا

گیاهی علفی، پایا و به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر است. در دشتهای جنگلهای غیر انبوه و بیشه‌های غالب نواحی اروپا مانند کشور فرانسه و منطقه مدیترانه می‌روید. از دانه کوهستانها نیز تا ارتفاعات ۱۷۰۰ متری بالا می‌رود بطوری که در قله‌های آلپ تا حد ارتفاع مذکور بدان برخورد می‌شود. از مشخصات آن این است که اعضای پوشیده از تار و برگ‌های بیضوی - دراز، دنداندار، به طول ۵ تا ۷، به عرض ۳ تا ۵ سانتیمتر (که کس) و منتهی به دمببرگ دراز دارد. طول دمببرگ‌های آن به نسبتی که به قسمت فوقانی ساقه نزدیک می‌شود، کوتاه‌تر می‌گردد. هر دو سطح پهنک آن نیز سبز رنگ است. گل‌های آن به رنگ‌های گلی یا قرمز ارغوانی (بندرت سفید رنگ) و مجتمع به صورت فشرده در قسمت انتهائی ساقه است. از کلیه اعضای گیاه نیز بوی ملایمی استشمام می‌شود. زنبور عسل، کمتر به سمت گل‌های این گیاه جلب می‌گردد.

قسمت مورد استفاده این گیاه کلیه اندام‌های آن است ولی بیشتر، برگ و گل‌های آن مورد توجه از نظر درمانی قرار می‌گیرد.

ترکیبات شیمیائی - قسمتهای هوائی گیاه دارای مواد لعابی، مواد رزینی، مقدار بسیار جزئی اسانس و یک ماده تلخ به نام بتائین Bétaine است که بر اثر تجزیه به دو ایزومر، یکی به نام بتونین بین bétonicine و دیگری ی نوریسین tauricine تبدیل می‌گردد بعلاوه موادی نظیر، کولین و استاکیدرین نیز در اعضای آن یافت می‌شود.

بتونی سین (Betonicine) Bétonicine ، به فرمول $C_6H_{11}NO_3$ و به وزن -

ملکولی ۱۵۹۱۸ است. در گیاهان مختلف، متعلق به جنس‌های متفاوت منجمله در انواع زیر یافت می‌شود و از آنها استخراج شده است (1). سنتز آن در سال ۱۹۵۷ میلادی توسط Patchett و Witkop انجام گرفته است (2):

Euphorbiaceae	از تیره	Croton goubouga S. Moore	- ۱
Labiatae	—	Stachys Betonica Benth.	- ۲
	—	= — officinalis Fr.	
Compositae	—	Achillea moschata Jacq.	- ۳
—	—	— — millefolium L.	- ۴

بتونی‌سین، به صورت بلوریهایی منشوری شکل در اتانول به دست می‌آید و در گرمای ۲۵۴ - ۲۵۶ درجه تجزیه می‌شود. طعم شیرین دارد. به سهولت در آب یا الکل گرم ولی به مقدار بسیار کم در الکل سرد حل می‌شود. عملاً در بنزن، اتر، کلروفرم، تتراکلرورکربن محلول نیست. **خواص درمانی** - کلیه قسمتهای گیاه دارای طعم گس و اثر نیرو دهنده، مقوی، اشتها آور، رفع اسهال، التیام دهنده و عطسه آور است. ریشه اش، طعم نسبتاً تلخ دارد و بطور ملایم، اثر قوی آور و مسهلی ظاهر می‌کند.

مصرف دم کرده ۱ تا ۲ گرم گیاه در یک لیتر آب، برای رفع نزله‌های ششی، خون - آمدن از سینه، آسم‌های همراه با دفع ترشحات چسبناک، قولنج (Colique)، اسهالهای همراه با حالت تهوع، نفخ، زردی، صرع (H. Schulz)، تحریکات عصبی، نقرس، بیماریهای کلیه و مثانه و همچنین جمع شدن آب در مفاصل (K. Kahnt)، توصیه شده است.

Cazin، با به کار بردن بخور دم کرده، به دفعات ۱ تا ۲ مرتبه در روز، موفق به معالجه سریع بیماران مبتلا به نزله ششی گردیده است. دم کرده ۱ تا ۲ گرم ریشه گیاه در یک لیتر آب، اثر سلین ظاهر می‌کند.

اثر دادن جوشانده ۱ گرم گیاه در یک لیتر شراب، بر روی زخمهای چرکین و عفونی، موجب می‌گردد که التیام و بهبودی آنها، سریعتر انجام گیرد بعلاوه می‌توان از آن در معالجه اولسره‌های واریسی، اثر مفید به دست آورد.

از مصارف دیگر این گیاه آن است که جوشانده آن اگر مقداری اسلح بیسموت همراه داشته باشد، پشم را به رنگ قهوه‌ای در می‌آورد.

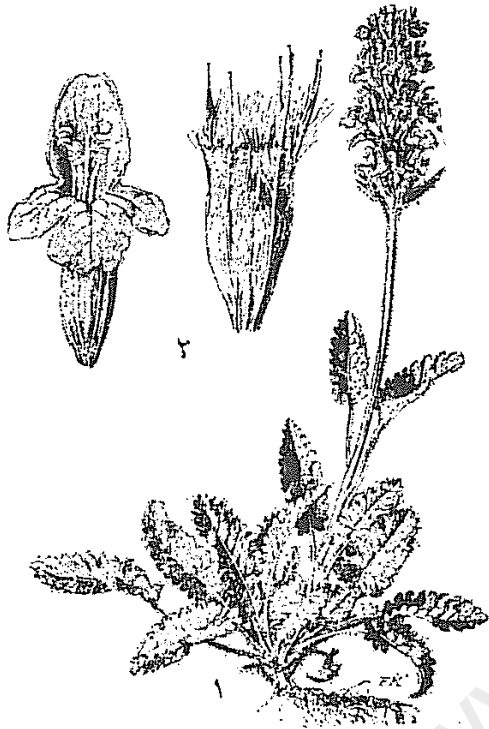
1 - Goodson, Clewer, J. Chem. Soc. 115, 923 (1919).

2 - Patchett, Witkop, J. Chem. Soc. 79, 185 (1957).

این گیاه در ایران نمی‌روید.

Stachys densiflora Benth.* - گیاهی علفی، پایا و دارای ساقه‌ای کوتاه به

ارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر است. در دشتها و چمنزارهای مرتفع کوهستانها می‌روید. برگهای آن کوچکتر از گونه قبلی ولی گلهای آن درشت‌تر و به رنگ گلی یا ارغوانی روشن است. در قاعده مجموعه گلهای آن که در رأس ساقه گلدار ظاهر می‌گردد، ۲ برگ نسبتاً بزرگ دیده می‌شود.



ش ۳۰ - *Stachys densiflora* : ۱ - گیاه کامل (۱/۰ طبیعی) ۲ - کاسه جام (در زیر ذره بین Hegi)

از مشخصات دیگر آن این است که ساقه گیاه از تارهای بلند و زرد رنگ پوشیده می‌باشد. پراکنندگی آن به صورتی است که در غالب نواحی اروپا، مخصوصاً اسپانیا، فرانسه و آلپ می‌روید.

از این گیاه در بعضی نواحی برای مصارفی شبیه گیاه قلبی استفاده بعمل می آید. در ایران نمی روید.

Stachys alopecuroides Benth. * - گیاهی علفی، پایا، به ارتفاع ۱۰ تا ۶ سانتیمتر و پوشیده از تارهای نرم است. برگهای آن قلبی شکل، دنداندار و به رنگ سفید در سطح تحتانی پهنک است. گل‌هایی به رنگ زرد دارد و از این جهت با هیچک از گونه مذکور اشتباه نمی‌گردد.

در نواحی مختلف اروپا، مخصوصاً آلپ و پیرنه تا ارتفاعات ۱۹۰۰ متری دیده می‌شود. اثر درمانی آن شبیه *S. Betonica* است. سابقاً از آن برای رفع بیماریهای مجاری ادرار، رفع تب و علاج مسلولین، استفاده بعمل می‌آمده است. چون ظاهری بسیار زیبا دارد، گاهی به عنوان زینت نیز پرورش می‌یابد بطوری که از آن برای تزئین، قسمت سنگلاخی باغهای نمونه استفاده می‌شود. برگهای آن در استعمال خارج اثر التیام‌دهنده ظاهر می‌کند.

در ایران نمی‌روید.

S. recta L. * - گیاهی است دو ساله که در دشت‌های خشک نواحی مختلف جنوب اروپا می‌روید و در آنزاس از آن به عنوان یک داروی مؤثر در درمان زخم و جراحات استفاده بعمل می‌آید.

S. palustris L. - گیاهی است که در حاشیه جریان‌های آب یا در آبهای راکد می‌روید. به عنوان تب‌بر و داروی معطر جهت تقویت معده مورد استفاده قرار می‌گیرد. این گیاه در آذربایجان، دریاچه رضائیه، سرداب گزلو می‌روید.

S. sylvatica L. - اثر قاعده آور دارد. اعضاء زیر زمینی هر سه گیاه اخیر دارای

نوعی ماده قندی به نام استاکیوز است (*L. Piant* در سال ۱۹۱۰).

گیاه اخیر در گرگان، نزدیک زرین‌گل، رامیان، بین رباط کوزل و گرگان، همچنین در علی‌بلاغ آذربایجان می‌روید.

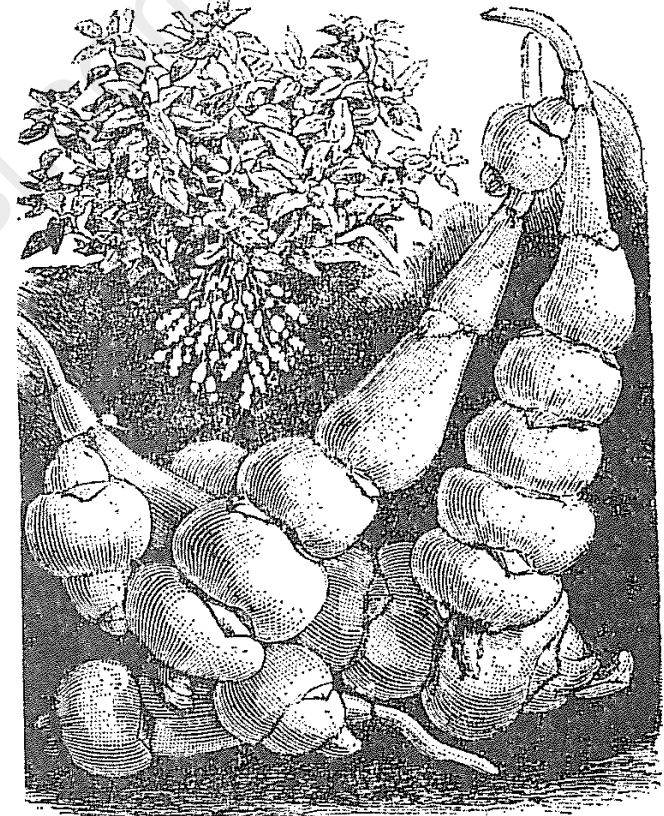
S. lavandulaefolia Vahl. * - این گیاه پراکندگی وسیع در غالب نواحی ایران مانند گرگان، مازندران، آذربایجان، همدان، اصفهان، اراک، خرم‌آباد، بختیاری، فارس، خراسان، نواحی مرکزی ایران، ارتفاعات البرز و اطراف تهران، گیلان: داماش، خراپو (عمارلو) و غیره دارد. مقوی معده است و اهالی محل از جوشانده آن برای رفع درد و ناراحتی‌های معده و دستگاه هضم استفاده بعمل می‌آورند (مولف).

غده‌های زیرزمینی گیاهان زیر به مصارف تغذیه می‌رسد:



ش ۳۱ - *S. lavandulaefolia*: گیاه کاسل‌گندار (اندازه طبیعی) جام کاسه گل، میوه (Kom.)

S. Sieboldi Kom. * - گیاهی علفی، پایا و دارای برگهای بیضوی خشن است. در نواحی شمالی چین و ژاپن به حالت وحشی می‌روید و چون غده‌های زیرزمینی قابل تغذیه دارد، در نواحی مختلف نیز پرورش می‌یابد. آخرین میان‌گره ساقه و یا ساقه زیر-زمینی آن، غده‌هایی با ظاهر بیضوی و منقسم به ناهمواریهای مختلف‌الشکل و بندمانند بوجود



ش ۳۲ - S. Sieboldi : گیاه کامل - نمایش غده‌های زیرزمینی

می‌آورد که هر یک به دنباله دراز و منشعبی ارتباط دارد. از هر پایه گیاه نیز معادل نیم کیلوگرم گرم از این غده‌ها، در زمینهای مساعد و سبک به دست می‌آید که پس از خارج کردن از زمین به مدت چند روز آنها را در مجاورت هوا و نور قرار می‌دهند تا رنگ تیره پیدا کنند سپس در درون خاک یا ساسه نگهداری می‌کنند.

غده‌های مذکور به حالت خشک دارای ۷۶ درصد هیدرات‌کرین است که گلاکتان توأم با نوعی قند به نام استاکیوز *stachyose* می‌باشد. از تجزیه این قند که مشابهت با رافینوز دارد، فروکتوز، دکستروز و گلاکتوز به دست می‌آید. بعلاوه مقدار ۱۸ درصد سواد چرب و ۱۱ درصد سواد آلبومینوئیدی و سویلاژ نیز در غده خشک شده گیاه مذکور یافت می‌شود. استاکیوز، نوعی قند به فرمول $C_{24}H_{42}O_{21} \cdot H_2O$ است و در سال ۱۸۹۰ میلادی توسط Schulze و Von planta در غده‌های زیر زمینی *S. tubrifera* Naudin کشف گردید. این گیاه در سال ۱۸۸۰ وارد کشور فرانسه شد. *Ch. Tanret*، آنرا مان‌نئوتتروز *Mannéotetrose* نامید. غده‌های خشک گیاه مذکور دارای ۶ تا ۷ درصد استاکیوز، معادل ۵ تا ۷ درصد سواد معدنی، ۱۰ تا ۱۶ درصد سواد از ته (آلبومین، نوکلئین، استاکیدرین و غیره) است ولی فاقد آسیدون می‌باشد (دورول ۱۹۸۲).

گیاهان متعدد دیگری متعلق به دو جنس *Plectanthus* و *Coleus*، نیز دارای غده‌هایی با ارزش غذایی مشابه سیب‌زمینی می‌باشند و چون غالب‌گونه‌های جنس اول، نوع مترادفی متعلق به جنس *Coleus* شناخته شده از این جهت تفکیک دقیق آنها غالباً خالی از اشکال نیست.

از بین گیاهان اخیر، منحصرأ به ذکر دو گونه مهم آنها به شرح زیر اکتفا می‌شود:

C. Dazo A. Chev. و *Coleus rotundifolius* A. Chev. et Per. *

گونه اول از این دو گیاه ریشه فیبری با انشعاب زیاد و ساقه‌های خزنده ریزوم مانند دارد که از آنها، غده‌های متعدد و منتهی به یک دسته ریشه‌های نازک جدا می‌شود. از پرورش این گیاه، نمونه‌های متعددی به اشکال متفاوت در افریقا و ماداگاسکار به دست آمده است.

از واریته‌های مهم گونه اول از ۲ گیاه مذکور یکی *Var. nigra* A. Chev. است که در سودان پراکندگی دارد و دیگری *Var. rubra* می‌باشد که در آغاز، پراکندگی وسیع در ماداگاسکار داشته ولی اخیراً در افریقای جنوبی و مرکزی و همچنین در هند و چین توسعه یافته است. واریته مفید دیگری نیز از آن به نام *Var alba* وجود دارد که در ناحیه‌ای به نام Oubanguی یافت می‌شود.

بعضی از گیاهان مذکور، به علت غده‌های درشت با ذخایر نشاسته‌ای، اهمیت فراوان در تغذیه دارند و پیوسته پرورش می‌یابند که خود باعث گردید، پراکندگی وسیع در نواحی مختلف افریقا پیدا نمایند. در نواحی مختلف کنگو، نیجریه و چاد، غده‌های درشت و زیرزمینی آنها به نام سیب زمینی ماداگاسکار موسوم شده است.

نوع دوم یعنی C. Dazo A. Chev. دارای ریزوم های متعدد و گوشتدار به قطرانگشت است و در آنها مواد نشاسته ای فراوان ذخیره می شود.

در بین Coleus ها انواع داروئی نیز یافت می شود که در اینجا به ذکر ۳ نوع از آنها که در کتب مفردات پزشکی وارد گردیده اکتفا شده است :

۱ - **Coīeus aromaticus Benth.** * - این گیاه در نواحی مختلف هند می روید و حتی در منازل پرورش می یابد. برگهای معطر آن، اثر معرق دارد و از آن به عنوان معرق و همچنین درمان دیسانتری استفاده بعمل می آید. در تاریخچه درمانی این گیاه چنین ثبت گردیده که این گیاه، بیش از سایر انواع، مصارف درمانی داشته است. در آثار Roxburgh از این گیاه برای مصارف درمانی مختلف و در تغذیه نام برده شده است بطوری که از برگ آن به حالت خام و به صورت سبزی خوردن، با نان و کره در غالب نواحی در تغذیه استفاده بعمل می آمده است. مردم هند شیره گیاه مذکور را برای درمان دیسانتری و رفع ناراحتی های هضمی بکار می بردند. له شده برگهای تازه گیاه بر روی زخم و محل گزش هزارپا، همچنین رفع تحریکات جلدی، اثر داده می شود.

۲ - **C. purpureus Benth.** * - گیاهی است که در هند پراکندگی دارد و برگهای آن مانند نوع قبلی دارای اثر معرق است، از اعضای این گیاه جهت درمان دیسانتری نیز استفاده بعمل می آمده است.

۳ - **C. barbatus Benth.** * - در نواحی حاره آفریقا پراکنده است. اثر سرد، قاعده آور و خلط آور دارد.

انواع متعدد دیگری نیز از این گیاهان در نواحی مختلف کره زمین وجود دارند که به علت کم ارزش بودن و موجود نبودن در ایران، از ذکر آنها خودداری بعمل آمده است.

Teucrium Chamaedrys L.

T. officinalis Lam. ، Chamaedrys officinalis Moench.

فرانسه : Sauge amère ، Petit - chêne ، Germandrée petit - chêne

انگلیسی : Ground - Oak ، Common - Germander ، Wild - Germander

المانی : Edreiche ، Gamanderlein ، Gamander ، Echter - Gamander

ایتالیایی : Germandria ، Trissagine ، Querciola ، Calamandera

عربی : کماذریوس ، طوقریون (Tòqriyûn)

گیاهی است علفی پایا و به ارتفاع ۱ تا ۳ سانتیمتر که در جنگلهای نواحی مرکزی

و جنوبی اروپا، شمال آفریقا و جنوب غربی آسیا منجمله ایران می روید. برگهای متقابل، بیضوی، بی کرک، شفاف ویرنگ سبز تیره در سطح فوقانی پهنک ولی به رنگ سبز روشن در سطح تحتانی پهنک دارد. گلهای قرمز یا گلی رنگ (بندرت سفید) آن که در فاصله ماههای اردیبهشت تا سرداد ظاهر می شود، زیبایی خاص به گیاه می بخشد و این خود باعث گردیده که در بعضی نواحی اقدام به پرورش آن شود. میوه آن چهار فندقه ای، به رنگ قهوه ای و هر یک از قطعات آن دارای برجستگیهایی در ناحیه رأس است. از مشخصات این گیاه آن است که قاعده ساقه آن حالت چوبی شده دارد و بعلاوه همیشه عاری از برگ بنظر می رسد.

زنبور عسل از قاعده جام گل آن نوش بسیار شیرین و فراوان با طعم مطبوع به دست می آورد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، سرشاخه های گلدار آن است که بوی معطر ولی ضعیف و طعم تلخ و قابض دارد.

ترکیبات شیمیائی - قسمتهای هوائی گیاه دارای اسانس، یک ماده رزینی به رنگ زرد-سبز مایل به قهوه ای به نام توکریورزین Teucriorésine، یک ماده تلخ، تانن، یک ماده رنگی و اسکوتل لارین scutellarine است.

تاریخچه - این گیاه از قدیم الایام مورد شناسائی قدما بوده است مانند آنکه تئوفراست در قرن چهارم قبل از میلاد و دیوسکورید در اواسط قرن اول میلادی، آنرا تحت نام کماندریس Chamaedrys در آثار خود نام برده و با توصیفی که از آن بعمل آورده اند، چنین مسلم می گردد که گیاه مورد نظر آنها، همین گونه مذکور باشد. جوشانده این گیاه در آن زمان، به عنوان مدر جهت رفع آب آوردن انساج، عدم دفع ادرار، قاعده آور، و غیره به کار می رفته است بعلاوه برگ تازه و له شده آنرا جهت مداوا بر روی اولسرها اثر می داده اند. جالینوس حکیم از آن مانند پیشینیان خود استفاده بعمل می آورده است.

در قرون وسطی، خط بطلان بر روی گفته اطباء قدیم کشیده شد زیرا از آن باهمه توصیف های قبلی، منحصراً در استعمال خارج، آن هم جهت مداوای کم ارزش استفاده بعمل می آمد. در سال ۱۵۵۴، دانشمندی به نام Motthiol برای این گیاه اثر تب بر، رفع اختلالات عصبی، سردردهای مقاوم ناراحت کننده، صرع و ضعف اعصاب قائل بوده، دانه آنرا داروئی صفرابر و ضد کرم با اثر قطعی می دانسته است. در اوایل قرن نوزدهم، آنرا یک داروی جانشین کنکینا می دانستند و بعلاوه از آن برای معالجه تفرس استفاده بعمل می آوردند. بررسی های شیمیائی سالهای بعد، اثر درمانی گیاه را به صورت قاطع تر تعیین نمود.

خواص در سانی - سرشاخه گلدار این گیاه بطور ملایم اثر نیرو دهنده، مقوی، مقوی معده، مدر، ضد خنازیر، تب بر، ضد کرم و ضد عفونی کننده دارد. مصرف آن در سواردی نظیر تب های مخاطی و حصبه بعد از مرحله تحریکات، بیماریهای نقرسی که با ضعف قوای عاضمه همراه باشد، گریپ و بطور کلی بیماریهای عفونی که در آن داروهای مقوی با اثر قوی نتوان بکار برد، اثرات مفید و قاطع ظاهر می کند. فرآورده های این گیاه چون دارای تانن به مقدار کافی می باشد، در رفع برونشیت های مزمن، نزله های مخاطی، اسهالهای ساده و به علت دارا بودن اسانس



ش ۳۳ - *Teucrium Chamaedrys* : ساقه گلدار و ریشه دار (اندازه طبیعی)

و مواد مؤثر دیگر، در ضعف عمل دستگاه هضم و کبد مفید است و می توان از آنها در کم خونی دختران جوان و تأخیر وقوع قاعدگی ناشی از ضعف عمومی بدن، استفاده بعمل آورد. در استعمال خارج، چون اثر ضد عفونی کننده دارد آنرا بر روی زخمها و اولسرها اثر می دهند و محلول های آنرا در موارد جریان دائم ترشحات از بینی، بالاسی کشند و یا به حالت تازه وله شده و همچنین به صورت گرد از آن استفاده می نمایند.

مخلوط اعضاء چند گیاه زیر که مجموعاً *Espèces amères* نامیده می شود و دارای اثر مقوی تلخ می باشد از قدیم الایام مورد استفاده مردم قرار داشته است. همه گیاهان مخلوط مذکور نیز در ایران یافت می شوند:

۱ - سرشاخه گلدار	<i>Teucrium Chamaedrys</i>
۲ - » »	<i>Cnicus benedictus</i>
۳ - » »	<i>Centaureum minus</i>

سرشاخه گلدار گیاهان مذکور را باید به نسبت مساوی از هر یک، بخوبی مخلوط نموده دم کرده ۱ در هزار از آن تهیه کرد.

صورت داروئی - دم کرده ۳ تا ۶ گرم گیاه در یک لیتر آب جوش به مقدار ۳ فنجان در روز - شراب حاصل از خیساندن ۵ تا ۶ گرم سرشاخه گلدار گیاه به مدت چند روز در یک لیتر شراب به مقدار یک لیوان ۷ سانتیمتر مکعبی با غذا - الکلاتور حاصل از اعضای گیاه در زمان گل دادن به مقدار ۳ تا ۵ گرم قبل از هر غذا - گرد سرشاخه گلدار گیاه به مقدار ۲ تا ۱ گرم و ۳ مرتبه در روز، مخلوط در یک مشروب ساده و مناسب.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گرگان: راه شمال رباط قره بیل به سمت بکاده در ۱۲۰۰ متری، بین بجنورد و شاه پسند سابقی در ۱۲۰۰ متری، کوه نزهه، دره تالار، ۱۷ کیلو - متری شمال فیروز کوه در ۲۰۶۰ متری، سیاه بیشه در دره چالوس در ۲۰۷۰ متری، پل زنگوله، جیرچال در ۲۷۰۰ متری، آذربایجان: دشت سرغان (آبگرم بادی) در ۷۸۰ متری، لرستان: اشتران کوه، خراسان: جوزک در ۷۴ کیلومتری مغرب بجنورد به سمت گرگان در ۱۱۰۰ متری، بین بجنورد و تپه سراه، سرکز ایران: شاهرود - بسطام، گردنه خوش بیلاقی، یزد.

Teucrium Polium L.

T. integerrimum Steud. ، *T. purpureum* Link.

فرانسه: *Germandrée pouliot* انگلیسی: *poly - Germander* ایتالیایی: *Polio*

آلمانی: *Poleigamander* عربی: مسک الجن، حشیشة الریح

گیاهی است علفی، پایا، پر شاخه، به ارتفاع ۱ تا ۳ سانتیمتر و دارای ظاهر سفید پنبه ای که معمولاً در نواحی بایر، سواحل سنگلاخی و ماسه زارهای نواحی مختلف اروپا، منطقه مدیترانه، شمال آفریقا و جنوب غربی آسیا منجمله ایران می روید. در نواحی کوهستانی البرز نیز تا ارتفاعات ۱۵۰۰ متری دیده می شود. برگهای آن باریک، دراز و پوشیده از کرکهای پنبه ای در هر دو سطح پهنک است. گلهائی بتفاوت به رنگهای سفید، سفید مایل به زرد و یا

زرد و حتی ارغوانی دارد. این حالت متغیر بودن نه تنها در رنگ گل بلکه در وضع ساقه گیاه که به صورت پرپشت و پرشاخه و یا به حالت خوابیده در می آید نیز دیده می شود. زمان گل دادن آن به تناسب شرایط محیط زندگی بین خرداد و سرداد است. زنبور عسل به علت وجود نوش در گل‌های آن به سمت گیاه جلب می گردد. قسمت مورد استفاده گیاه، سرشاخه گلدار آن است.



ش ۳۴ - Teucrium Polium : گیاه کامل گلدار، اجزاء گل (Komarov)

خواص درمانی - استفاده از این گیاه بطوری که در کتب داروئی قدیمه وارد است به زمانهای نسبتاً دور نسبت داده می شود مانند آنکه بقراط، دیوسکورید، پلین و جالینوس از آن در آثار خود نام برده اند و چون گیاه، ظاهری کاملاً مشخص دارد، محقق گردیده است که نوع مورد نظر حکماء در زمانهای خیلی قدیم، همین گیاه فعلی بوده است.

سرشاخه گلدار گیاه اثر مقوی، نیرو دهنده و ضد تشنج دارد و اگر گرد آن وارد بینی شود. مخاط بینی را تحریک کرده ایجاد عطسه می نماید. مصرف آن با بررسی هائی که بعمل آمده در رفع سردرد، ضعف عمل دستگاه تغذیه، بیماریهای دستگاه تناسلی - ادراری و تأخیر یا عدم وقوع قاعدگی به علت ضعف کلی، مؤثر می باشد ضمناً اثر ضد تشنج نیز دارد.

محل رویش - این گیاه پراکندگی وسیع در نواحی مختلف شمال، مغرب، جنوب و مرکز ایران، منطقه البرز، اطراف تهران، مخصوصاً در غالب نواحی نیمه بایر و کوهستانهای نیمه خشک دارد.

گونه های سفید دیگر Teucrium که هیچیک نیز در ایران دیده نشده اند به شرح زیر است :

*Teucrium Scordium L.

T. palustre Lam.

فرانسه : Scordion ، Germandrée aquatique ، G. d' eau ، G. des marais
انگلیسی : Water germander ، Scordion ایتالیائی : Camendrio aquatico ، Scordio
آلمانی : Lauchgamander ، Waser Gamander عربی : اسقوردیون ، الثوم البری

گیاهی است علفی و دارای ساقه ای متفاوت به ارتفاع ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر که بر اثر مالش دادن اعضای هوائی آن، بوئی مشخص شبیه بوی سیر از آن استشمام می گردد. برگهای آن بیضوی، عاری از دمبرگ، دنداندار و گل‌های آن به رنگ ارغوانی روشن، گلی یا سوسنی و مجتمع در کناره برگهاست. محل رویش گیاه نیز در کنار جویبارها، چشمه ها و گودالها می باشد. از کوهستانها تا ارتفاعات ۱۰۰۰ متری بالا می رود.

سرشاخه گلدار این گیاه دارای اسانسی یا بوی شبیه سیر (گیاه تازه)، یک ماده تلخ، تانن و اسکوردیئین (Winckler) scordiine در سال ۱۸۳۱) است. ماده اخیر به صورت گرد سفید غیر محلول در آب گرم می باشد ولی آب را دارای طعم تلخ می نماید بعلاوه در سرشاخه گلدار گیاه، ماده ای به نام اسکوتل لارین scutellarine وجود دارد که یک ماده گلوکزیدی است.

خواص درمانی - اثر درمانی گیاه با آنکه ترکیب شیمیائی آن متفاوت از T. Chamaedrys است، شبیه آن می باشد. جوشانده سرشاخه گلدار گیاه و یا خیسانده آن در شراب برای درمان ضعف، آب آوردن انساج، زردی، یواسیر، سرفه های مقاوم (همراه با بولاغ اوتی) و همچنین در سل ریوی (به صورت گرد مخلوط در عسل)، به کار می رود.

در استعمال خارج، جوشانده آن به صورت غرغره یا اثر دادن بر روی اولسرها مصرف دارد.

از این گیاه وجود ۲ گونه فرعی در ایران ذکر شده است.

T. lucidum L. * - گیاهی علفی و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر است. در اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه، فرانسه و ایتالیا می‌روید ولی در کشور ما یافت



ش ۳۵ - T. Scordonia : ۱ - سرشاخه گلدار (طبیعی) ۲ - گل در حالات مختلف (Hegi)

نمی‌گردد. برگهای آن دارای پهنکی بیضوی یا به شکل لوزی و گل‌های آن به رنگ ارغوانی است و در ماه‌های خرداد تا مرداد به تناسب شرایط محل رویش ظاهر می‌شود.

اختصاصات درمانی آن شبیه T. Chamaedrys می‌باشد.

* **Teucrium Marum L.**

فرانسه : Marum ، Germandrée maritime ، Marum ، G. Marum ، Herbe aux Chats ، انگلیسی : Cat thyme ، Marum germander ، آلمانی : Katzenkraut ، Katzensamander ، ایتالیایی : Maro ، Camendrio maritimo ، M. d' Egitto ، عربی : مارون ، صعترالهر (...hir) گیاهی با ظاهر بوته مانند، پرشاخه و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر است. برگهای عاری از دندانه با پهنکی به دورنگ متفاوت در دو سطح فوقانی و تحتانی دارد بطوری که سطح فوقانی پهنک آن سبز ولی تحتانی آن سفید پنبه‌ای است. گل‌های آن ارغوانی و مجتمع در طول قسمت انتهائی ساقه با ظاهر خوشه مانند است. به علت زیبایی خاصی نیز که پس از گل دادن پیدا می‌کند، اقدام به پرورش آن می‌شود.

در منطقه مدیترانه می‌روید.

خواص درمانی - قدما آنرا از نظر درمانی، گیاهی قیمتی و ارزنده می‌دانستند. دارای اثر مقوی، محرک، ضد تشنج، قاعدآور، عطسه‌آور، مدر، معرق و حتی اشتها آور و صفرابراست. بر روی بیماریهای سلسله اعصاب اثر درمانی قاطع دارد مانند آنکه از آن در رفع فلج، سالیخولیا، ضعف اعصاب و همچنین در کم‌خونی دختران جوان، اسکوریوت، تأخیر و عدم وقوع حالت قاعدگی ناشی از ضعف که وضع سزمن پیدا کرده باشد، نزله سزمن ششی، آسم مرطوب، بیماریهای معدی و کبدی، بیماریهای کلیه و مجاری ادرار ناشی از ضعف و غیره استفاده بعمل می‌آورند.

گرد آن اگر به صورت استنشاق از بینی بالا کشیده شود در رفع پولیپ موثر و از پیشرفت آن جلوگیری بعمل می‌آورد.

در ایران نمی‌روید.

صورداروئی - دم کرده ۸ تا ۳ گرم گیاه در یک لیتر آب یا شراب.

T. botrys L. * - گیاهی علفی، به ارتفاع ۸ تا ۴ سانتیمتر و دارای برگهایی با بریدگیهای باریک و دراز است بطوری که تشخیص گیاه از روی برگ آن به سهولت امکان پذیر می‌باشد. گل‌های آن ارغوانی یا سوسنی و یا گلی است و در خرداد تا مهر به تناسب مشخصات محل رویش ظاهر می‌شود. پراکنندگی آن در نواحی جنوبی و جنوب غربی اروپا و همچنین در الجزیره است.

در ایران نمی‌روید.

خواص درمانی - برگ و سرشاخه‌های گلدار این گیاه اثر مقوی، تب‌بر، ضد کرم و معرق دارد.

T. montanum L. * گیاهی پایا و دارای ساقه‌های چوبی و نیمه خوابیده، به ارتفاع ۰ تا ۳ سانتیمتر می‌باشد. در دشت‌ها، نواحی بایر و اماکن سنگلاخی دامنه‌ها تا ارتفاعات ۲۰۰۰ متری می‌روید. در نواحی مختلف فرانسه و سویس پراکنده‌گی دارد. برگهای آن باریک، عاری از دندانه و به رنگ سبز مایل به سفید در سطح تحتانی پهنک است. گل‌هایی به رنگ سفید مایل به زرد دارد و چون در جام‌گل آن، نوش فراوان بوجود می‌آید، مورد توجه زنبور عسل قرار می‌گیرد.

در ایران نمی‌روید.

خواص درمانی - مقوی، مقوی معده، نیرودهنده، ضد تشنج، عطسه‌آور و بطور سلایم تب‌بر است. سرشاخه‌گلدار آن معمولاً به صورت دم‌کرده یا جوشانده مصرف می‌شود.

* **Teucrium Scorodonia L.**

فرانسه : Germandrée sauge : انگلیسی Wood germander ، Wood sage

آلمانی : Salbei Gamander ، Waldgamander ایتالیائی : Teucro salvatico

عربی : اسقوردیون (Squirdiyun) ، منضار (Mindar)

گیاهی است به ارتفاع متفاوت ۱۰ تا ۸۰ سانتیمتر که در غالب بیشه‌ها، نواحی عاری از درخت جنگل‌ها و دامنه‌های سنگلاخی نواحی مختلف اروپا مانند قسمت مرکزی، غربی و جنوبی آن، می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌شود. برگهای آن نسبتاً بزرگ، دندانه‌دار و گل‌های آن سفید مایل به زرد یا زرد مایل به سبز و مجتمع در فواصل برگها با ظاهر کلی خوشه مانند است. زنبور عسل از آن نوش بسیار خوب به دست می‌آورد.

خواص درمانی - برگ و سرشاخه‌گلدار آن اثر مدر، مقوی، ضد تشنج و بطور سلایم تب‌بر و التیام دهنده دارد؛ سابقاً از آن برای علاج آب آوردن انساج، خیز عمومی اندامها و ضعف ناشی از ابتلا به مالاریا، به صورت دم‌کرده ۳ در هزار در شراب سفید، به مقدار ۴ لیوان کوچک در روز استفاده بعمل می‌آمده است.

در استعمال خارج، جوشانده آن بر روی زخمها و جراحات، جهت التیام آنها اثر داده می‌شود.

T. flavum L. * گیاهی علفی، به ارتفاع ۰ تا ۵ سانتیمتر و دارای ساقه نسبتاً چوبی است. در نواحی بایر سواحل مدیترانه می‌روید. برگهای آن کوچک، دارای سطح صاف و به رنگ سبز در هر دو سمت پهنک است. گل‌هایی به رنگ سفید مایل به زرد یا زرد مایل به سبز دارد. زنبور عسل به سمت گل‌های آن جهت استفاده از نوش جلب می‌گردد. در ایران نمی‌روید.

خواص درمانی - سرشاخه‌گلدار آن، مقوی، مقوی معده، نیرودهنده، تب‌بر و ضد تشنج است.

T. pyrenaicum L. *، که در فرانسه و اسپانیا می‌روید. دارای ساقه‌ای کوتاه به ارتفاع ۰ تا ۱۰ سانتیمتر و گل‌هایی به رنگ سفید مایل به زرد مخلوط با ارغوانی است. به علت زیبا بودن، پرورش می‌یابد. زنبور عسل از آن نوش به دست می‌آورد.

خواص درمانی - مقوی و نیرودهنده.

در ایران نمی‌روید.

Zhumeria Majdae Rech. & Wendelbo - گیاهی است که در نواحی جنوب شرقی ایران می‌روید و بوی قوی و دلپذیر دارد. برگهای آن پوشیده از تارهای غیر ترشعی و ۲ نوع تار ترشعی، یکی ساده و به اشکال مختلف و دیگری منشعب است. دارای اسانسی مرکب از کامفرو لینالول می‌باشد. از قسمت‌های مختلف گیاه نیز نوعی تری‌ترین به فرمول $C_{15}H_{24}O_3$ و ۲ فلاونوئید به نامهای Cirsimaritine و desmethoxycentaureidine استخراج و تعیین فرمول ملکولی شده است (1).

خواص درمانی - برگهای خشک گیاه به علت دارا بودن بوی مطبوع مورد استفاده بومیان محل رویش گیاه قرار می‌گیرد و از آن، جهت رفع درد معده و به عنوان ضد عفونی کننده و درمان قاعدگی‌های دردناک استفاده بعمل می‌آید. برای اینکار از آن، دم کرده‌ای به صورت چای تهیه می‌کنند و به مصارف درمانی می‌رسانند.

محل رویش - بندرعباس.

* **Orthosiphon stamineus Benth.**

فرانسه : Thé de Java جاوه : Remoek djoeng

درختچه‌ای است کوچک و به ارتفاع متجاوز از ۲ متر که به حالت خودرو در زمینهای مرطوب، کنار جاده‌ها و استخرهای نواحی حاره آمریکا و در استرالیا می‌روید. برگ‌هایی بزرگ، دندانه‌دار و پوشیده از کرک (در هر دو سطح پهنک) با بوئی شبیه بوی برگ چای دارد. گل‌های آن در آغاز سفید رنگ است ولی تدریجاً آبی می‌شود.

برگ این گیاه که تنها قسمت مورد استفاده آن از نظر درمانی است، طعم نمکی دارد و به صورت خشک شده یا استابیلیزه (قرار دادن عضو تازه گیاه در الکل جوشان) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ترکیبات شیمیائی - برگهای این گیاه دارای گلوکزیدی به نام اورتوزیفونوزید orthosiphonside ، اسانس به مقدار ۰.۲ تا ۰.۶ درصد، یک ساپونین به نام ساپوفونین sapophonine ، تانن (به مقدار کم) و اسلاح پتاسیم است.

خواص درمائی - مدر و زیاد کننده ترشحات ادرار است. با مصرف آن نه تنها مقدار دفع ادرار افزایش می یابد بلکه دفع کلرورها، اوراتها، ترکیبات فسفات و ازته نیز تسهیل می شود. در عین حال اثر تسکین دهنده درد و ناراحتی های مثانه دارد از این جهت در بیماریهای مربوط به کلیه و مثانه از آن استفاده می شود.

Dr. H. Leclerc ، مصرف آنرا در اختلالات مجاری ادرار و رماتیسم های تقرسی یا رماتیسم های ساده مفصلی مؤثر ذکر کرده است.

معمولاً برای آنکه مصرف دم کرده یا عصاره آن، ناراحتی معدی ایجاد ننماید آنرا همراه با مقداری دانه کتان به بیمار می دهند. مقدار مصرف عصاره روان آن، ۱ تا ۲ گرم در روز است.

این گیاه در ایران نمی روید.

Lycopus europaeus L.

L. palustris Burm. ، *L. vulgaris* Pers.

فرانسه : Chanvre d' eau ، Marrube aquatique ، Lycope d' europe

انگلیسی : Marsh - Horehound ، Water - Horehound ، Gipsy wort

آلمانی : Sumpfundorn ، Wasserandorn ، Wolfsfuss ، Wolfstrapp

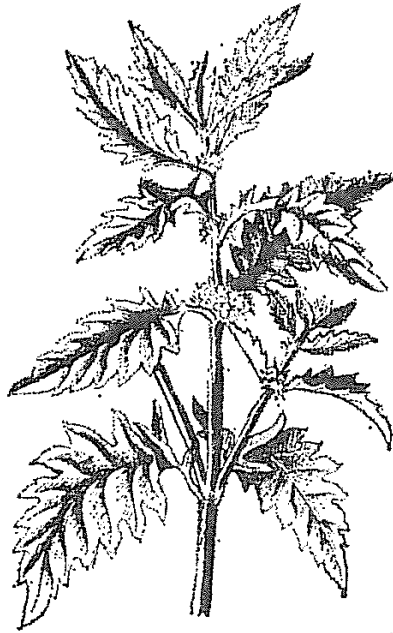
ایتالیائی : Piè di lupo ، Marrubio aquatico ، Licopo ، Erba sega

عربی : فراسیون مائی (Frasiyûn mâi)

گیاهی است علفی، پایا و دارای ساقه چهارگوش، به ارتفاع ۰.۳ تا یک متر که به حالت وحشی در غالب نواحی اروپا مانند فرانسه، بلژیک، سوئیس، مخصوصاً منطقه مدیترانه، شمال و جنوب آسیا و نواحی شمال آفریقا می روید. از مشخصات آن این است که برگهایی بزرگ، کشیده و نوک تیز، منقسم به بریدگیهای دندانمانند، منظم و گلتهائی به رنگ سفید و مجتمع در کنار برگها دارد. در سطح جام گل آن، لکه های قرمز رنگ نیز تشخیص داده می شود. از اختصاصات جام گل آن این است که سرکب از ع نوب است در حالی که کاسه گل آن منقسم به ۵ تقسیم عمیق می باشد. بیوه اش ۵ فندقه ای و شفاف است. در اساکنی که گیاه حالت غوطه ور در آب پیدا می کند، قاعده ساقه و ریشه اش متورم می گردد. حالات

غیر طبیعی مختلف در این گیاه تشخیص داده شده است مانند آنکه در بین پایه های آن، نمونه هایی با ساقه های پیوسته به هم در قسمتی از طول خود و یا پرچمائی با ساک متورم و حتی به تعداد ۳ در گیاه دیده می شود. در بعضی دیگر نیز ممکن است جام گل شامل قطعات مضاعف حالت طبیعی گیاه باشد و یا آنکه کاسه گل به خلاف پایه های طبیعی، منقسم به ۵ تقسیم (به جای ۵ تقسیم) دیده شود.

زنبور عسل به سمت گلهای این گیاه جلب می گردد و از آن نوش به دست می آورد.



ش ۳۶ - *Lycopus europaeus* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

قسمت مورد استفاده گیاه، اعضای هوائی و یا کلیه اندامهای آن است که طعمی تلخ و قابض دارند.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف این گیاه دارای یک ماده رزینی به نام لیکوپین lycopine ، اسانس (به مقدار کم) ، اسید مالیک، تانن و یک ماده رنگی است که در مجاورت سولفات آهن، به رنگ قهوه ای مایل به سیاه درمی آید.

خواص درمسانی - سرشاخه گلدار و بطور کلی قسمت هوایی این گیاه دارای اثر قابض و تب بر است. سابقاً از آن برای معالجه خونریزها، مخصوصاً خونریزیهای رحمی و رفع ترشحات مخاطی استفاده بعمل می‌آمده است. کشاورزان قدیم بطوری که Clazin اظهار داشته، آنرا برای رفع تب نوبه به کار می‌برده‌اند. دانشمندان عصر حاضر نیز خاصیت تب بر، آن هم با اثر قطعی برای این گیاه قائل می‌باشند.

از برگ گیاه، نوعی ماده رنگی سیاه تهیه می‌شود.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گرگان، بندرگز، تنگ گل در ۶۰۰ - ۷۰۰ متری، مازندران؛ ۱۹ کیلومتری مغرب محمودآباد، نوشهر، حسن‌آباد در ۲ کیلومتری جنوب چالوس در ۱۲۰۰ متری، کلارآباد، تمیشان، گیلان؛ رشت، لاهیجان، خوش‌آور، آذربایجان؛ رضائیه، نزدیک تبریز، همدان؛ سیلاخور، لرستان؛ بروجرد، خراسان؛ بجنورد، قزوین؛ النگه در ۲۴۰۰ متری.

L. virginicus L. - یکی از گونه‌های دیگر گیاه مذکور است که در نواحی مختلف امریکا می‌روید و دارای ۸ درصد اسانس، رزین، تانن و نوعی گلوکوزید می‌باشد. از تمام قسمت‌های گیاه به‌عنوان بندآورنده خون و مقوی قلب استفاده می‌شود.

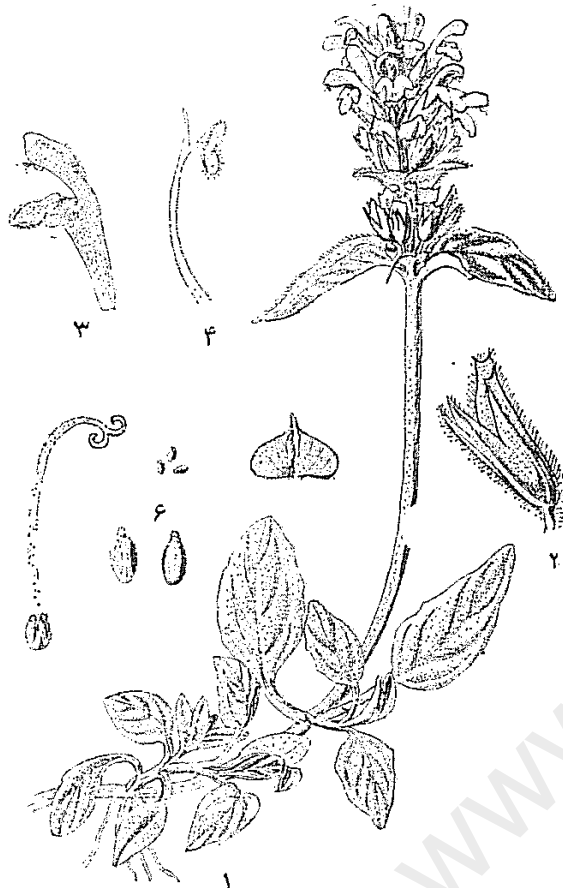
Prunella vulgaris L.

فرانسه : Petit Consoude ، Charbonnière ، Brunette ، Brunelle ، prunelle ؛
انگلیسی : Carpenter's herb ، Common Self - heal ، All - heal ، Self - heal ؛
آلمانی : Selbstheil ، Prunelle ، Braunellenkraut ، Gemeine - Braunelle ؛
ایتالیائی : Consolida - minore ، Morella ، Prunella ، Brunella comune ؛

گیاهی است علفی و دارای فرمهای متفاوت به ارتفاع ۵ تا ۱۰ سانتیمتر که به‌حالت وحشی در نواحی خشک، علفزارها و دامنه‌های سنگلاخی نواحی مختلف اروپا، شمال افریقا و جنوب غربی آسیا منجمه ایران می‌روید. از مشخصات آن این است که برگهایی بیضوی با کناره دندانه‌دار یا منقسم و منتهی به دم‌برگ مشخص دارد. گلهای آن به رنگ آبی مایل به بنفش یا سفید مایل به زرد (بندرت سفید) و مجتمع به‌صورت فشرده در قسمت انتهائی ساقه است. مجموعه زیبایی که گلهای فشرده به هم آن در رأس ساقه بوجود می‌آورند سبب گردیده که این گیاه در بعضی نواحی پرورش یابد.

زنبور عسل به‌سمت گلهای این گیاه جلب می‌شود و از آن نوش سرغوب به‌حالت مایعی شیرین به‌دست می‌آورد.

قسمت مورد استفاده این گیاه تمام اندامهای آن یا شیره و یا آب مقطر حاصل از آنهاست.



ش ۳۷ - *Prunella vulgaris* : ۱ - گیاه کامل گلدار (طبیعی)
۲ تا ۶ - اجزای گل و دانه

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف گیاه دارای تانن، یک ماده رزینی و اسانس به مقدار کم است.

خواص درمسانی - از این گیاه سابقاً در طب عوام استفاده درمانی بعمل می‌آمده است مانند آنکه غرغره جوشانده‌های آن جهت رفع آژن، التهاب و ورم مخاط دهان، درد گلو و تیزان آن جهت رفع خون‌رویها، خون آمدن از ریه، ذات‌الریه، بیماریهای معده و روده، دیسانتری، سردرد و همچنین درمان بیماری قند به کار می‌رفته ولی امروزه بکلی متروک شده است.

جوشانده آن سابقاً جهت رفع التهاب و شستشوی چشم به کار می‌رفته است. برگ تازه آن در بعضی نواحی، مخلوط با سبزی‌های سالاده، مصرف می‌شود و حتی چنین شهرت دارد که با خوردن آن، ناراحتی‌های بواسیر از بین می‌رود.

صورت داروئی - دم کرده یا جوشانده . ۳ تا ۵ گرم گیاه در یک لیتر آب به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز - غرغره دم کرده یا جوشانده آن پس از شیرین کردن با عسل یا قند جهت رفع التهاب دهان و آژن - جوشانده گیاه برای استفاده به صورت تنقیه و یا استفاده از آن به صورت کمپرس گرم جهت رفع بواسیر.

محل رویش - نواحی مختلف البرز، کرج، مغرب تهران، دماوند: دره لار در ۲۴۰۰ متری، قصر فجر، شمال ایران: گیلان، راه نصیر محله به امامزاده اسحق (پیمان زرگری)، عمارلو: کبوترچاک، ایسپیلی بیلاق، آستارا، لاهیجان، آذربایجان، یام، ارومیه، آستارا، نزدیک ایسپیلی قشلاق، کالیبار، گرگان: مشرق کنبد کاووس در ۸۰۰ متری، زرین گل، جنگل گلستان، تنگ راه، مازندران: ۵ کیلومتری مغرب راسر، ۱ کیلومتری کیاسر به سمت فولاد محله، ایستگاه تیرتاش، بین زیارت و شیرگاه، جنوب آمل در ۵۰۰ متری، چالوس، بین چالوس و شهنسوار، پل زنگوله در دره چالوس (۲۲۰۰ تا ۲۶۰۰ متری)، نوشهر، ۵ کیلومتری محمودآباد، اراک، آشتیان، تفرش، زرند و چمنزارهای مرطوب اطراف همدان.

Ajuga reptans L.

فرانسه: Consyre moyenne, Herbe de St. - Laurent, Bugle rampante

انگلیسی: Common Bugle, Middle - Comfrey, Brown - Bugle, Bugle weed

آلمانی: Lorenzkraut, Blauer - Günsel, Günsel, Kriechender - Günsel

ایتالیائی: Consolida mezzana, Lorentiana, Morellina, Bugula

عربی: شندقوره

گیاهی است علفی، پایا و به ارتفاع ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر که در نواحی مرطوب، علفزارها و جنگلهای غیر انبوه غالب نواحی اروپا، جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا مانند الجزیره وتونس

می‌روید. از مشخصات آن این است که دارای برگهائی بیضوی، کامل و یا منقسم به لبه‌های دندانه‌دار (گاهی منحصراً دندانه‌دار)، عاری از تار ویا دارای تعداد کمی از آن می‌باشد. گل‌های آن که به رنگ‌های آبی، گلی و یا سفید است، بطور فراهم در کناره برگهای قسمت فوقانی ساقه باشباهت کلی گل‌آذین خوشه مانند ظاهر می‌شود. در بعضی نواحی نیز اقدام به پرورش آن می‌گردد.



ش ۳۸ - *Ajuga reptans*: گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی)

زنبور عسل، نوش فراوان از آن به دست می‌آورد.

قسمت مورد استفاده این گیاه کلیه اندامهای آن است.

تورکیمات شیمیائی - بر روی اعضای این گیاه، تجزیه‌های شیمیائی جدید هنوز بعمل نیامده است فقط خاکستر آن با بررسی‌هایی که در سالهای اخیر، آن هم در گیاه متعلق به زمینهای

آهکی بعمل آمده، دارای ۳۶ تا ۴۰ درصد اسلح پتاسیم، ۱۵ تا ۲۳ درصد اسلح کلسیم، ترکیبات منیزیم، کلوروا، اکسیدهای آهن و غیره است.

خواص درمانی - برگ تازه این گیاه در بعضی نواحی مخلوط با سبزی‌های سالاد مصرف می‌شود. از اعضای آن که طعمی تلخ دارند، هنوز هم در طب عوام به عنوان مقوی و قابض استفاده می‌گردد. برای آن علاوه بر مقوی بودن، اثر تب‌بر نیز قائل‌اند. سابقاً آنرا برای سعالچه آسم و تفرس به کار می‌بردند.



ش ۳۹ - *Ajuga Chamaepitys*: گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی)

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گیلان و چمنزارهای رشت، لاهیجان، گرگان، کره سنگ Karchsang، نوشهر.
از گونه‌های مفید دیگر که کم‌وبیش مورد استفاده‌های درمانی قرار می‌گیرند به شرح دو گیاه زیر اکتفا می‌شود:

A. iva (L.) Schreb. * - گیاهی پایا، دارای ساقه چوبی و ظاهری کاملاً مشخص از گونه‌های دیگر دارویی است. برگهای کامل یا دندان‌دار، بندرت منقسم به تقسیمات عمیق و گل‌هایی به رنگ ارغوانی (بندرت زرد طلایی) دارد.
در اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه، شمال آفریقا و جنوب غربی آسیا می‌روید. در ایران یافت نمی‌شود.

نام عربی آن، **جعدده** (Go' dah) است.

خواص درمانی - این گیاه بطور ملام اثر نیرو دهنده، اشتها آور، تب‌بر، مدر و رفع اسهال دارد و می‌توان آنرا برای درمان تفرس، رماتیسم و آب آوردن انساج به کاربرد. در ایران نمی‌روید ولی وارثه‌ای از آن در تفرس یافت می‌گردد؟

Ajuga Chamaepitys (L.) Schreb.

فرانسه: Bugle Faut - Pin، Yvette؛ انگلیسی: Yellow bugle، Ground pine؛ آلمانی: Giller günsel، Acker gamander؛ ایتالیایی: Camepizio، Bugula ivartetica؛ عربی: صنوبر الارض، عرصف (Orsuf)

گیاهی علفی، یکساله و به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر است. در منطقه مدیترانه، فرانسه و ایران، به حالت وحشی می‌روید. برگهای آن باریک، منقسم به ۳ بریدگی عمیق، دارای حالت چسبنده و گل‌های آن، به رنگ زرد لیمویی است.

خواص درمانی - مدر، اشتها آور، مقوی، تب‌بر و التیام دهنده است. با مصرف آن، اوره ادرار، کم ولی اسید اوریک آن زیاد می‌شود. در رفع آب آوردن انساج و درد و ناراحتی‌های کلیه و مثانه مصرف دارد.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گیلان، عمارلو، بین کبوترچاک و پاکده و بیوزن (عبدالعلی منتظر)، آذربایجان، بین تبریز و خوی (فلورایران).

Leonurus Cardiaca L.

Cardiaca trilobata Lam.، *C. vulgaris* Moench.

فرانسه: Queuc de lion، Léonure، Cardiaire، Agripaume cardiaque؛ انگلیسی: Motherwort؛ آلمانی: Echtes Herzgespann، Lowenschwanz؛ ایتالیایی: Leonuro، Cardiaca، Melissa salvatica؛ عربی: فراسیون القلب، قفیل
گیاهی است پایا و به ارتفاع ۵۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر در اماکن مرطوب و کنار جاده‌های

نقاط مختلف اروپا، نواحی مرکزی، شمالی و جنوب غربی آسیا منجمله ایران و در الجزیره می‌روید. ساقه چهارگوش، منشعب و برگهای متقابل، بزرگ و منقسم به سه لوب با بریدگی‌های عمیق دارد بطوری که برگهای واقع در ناحیه وسطای طول ساقه آن، منقسم به ۵ تا ۷ تقسیم جلوه می‌کند. گل‌های آن گلی، دارای خالهای ارغوانی و مجتمع در کناره برگهای قسمت فوقانی ساقه است.

نوش فراوان گل‌های آن باعث جلب زنبور عسل به سمت گیاه می‌گردد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، گل‌آذین، سرشاخه‌های گلدار و پاکلیه اعضای هوایی آن است.

ترکیبات شیمیائی - تانن، اسانس به مقدار کم، اسیدهای آلی نظیر اسیدمالیک، اسید-وینیک و اسید سیتریک، رزین‌ها، یک ماده روغنی، سوم، سواد قندی، یک ماده تلخ و غیر-محلول در آب ولی محلول در الکل و اتر، به مقدار بسیار جزئی از یک الکلوتئید با ترکیب شیمیائی تعیین نشده.

تاریخچه - استفاده از این گیاه به زمانهای خیلی قدیم نسبت داده نشده است و اگر تئوفر است در آثار خود از گیاهی به نام *Cardiaca* نام برده که بعداً مشخص جنس و گونه گیاه مذکور گردید، نباید آنرا دلیل بر این دانست که بین گیاه مورد نظر تئوفر است و گیاه فعلی ارتباطی وجود داشته است. در قرون وسطی نیز از این گیاه اطلاع صحیحی نداشتند و فقط در اوایل قرن ۱۰ میلادی بود که اقدام به پرورش آن در بعضی از صومعه‌های شمال ایتالیا گردید و به آن، نام *Cardiaca* داده شد. از این تاریخ به بعد، کنجکاوای مردم دربارہ اختصاصات درسانی این گیاه زیاد شد و بررسی‌های دقیق بروی آن بعمل آمد بطوری که از زمان *Matthiol* به بعد، از آن به عنوان ضد تشنج، قابض، قاعده‌آور، مدر و خلط‌آور، استفاده بعمل آمد و حتی *Gilibert* در اواخر قرن هجدهم میلادی، اثر قاعده‌آور آنرا اعلام داشت. در این زمان شهرت اشتها آور، مقوی و نیرو دهنده نیز در بین مردم پیدا کرد و حتی کار به جایی رسید که آنرا بهترین جانشین سنبل الطیب در درمان بیماریهای مربوطه می‌دانستند. تدریجاً از اهمیت آن بدلایلی که معلوم نیست کاسته شد تا آنکه مجدداً در اوایل قرن حاضر، در درمان بیماریها مداخله پیدا نمود و توسط *B. Pater* در سال ۱۹۰۳ و عده‌ای دیگر در سالهای بعد، در معرض بررسی‌های دقیق قرار گرفت.

خواص درسانی - مقوی، قابض، نیرو دهنده، خلط‌آور، ضد تشنج، مقوی قلب و قاعده‌آور است. در استعمال خارج نیز اثر التیام دهنده دارد.

اگر دانشمندانی نظیر *H. Willmer, W. Peyer* با بررسی‌های دقیق خود نتوانستند اثر مقوی قلب این گیاه را به اثبات برسانند، در عوض محرز نمودند که سرشاخه‌های گلدار آن به علت دارا بودن مقدار زیادی تانن، یکی از قابض‌های خوب به حساب می‌آید.

Dr. H. Schulz، مصرف این گیاه را در رفع نفخ و گازهای معدی، قطعی تشخیص داد. دانشمندان دیگر نیز مانند *Peyrilhe*، آنرا در رفع ضعف معده که با ایجاد بلغم همراه باشد



ش ۴ - *Leonurus Cardiaea*: سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

مفید اعلام داشتند. پزشکان قدیم نیز منجمله *Clazin* در سال ۱۸۸۶، مصرف این گیاه را به حالت تازه، به عنوان خلط‌آور در رفع آسم سرطوب و سهولت خروج اخلاط در خاتمه درمان برونشیت، مؤثر اعلام نمودند.

K. Kahnt، مصرف آنرا در رفع نزله همراه با ترشح مخاطی فراوان، رفع بلغم، آسم،

تنگی نفس، احساس سنگینی در سعه واضطراب، مؤثر دانسته در آن یک اثر آرام کننده شبیه سنبل الطیب تشخیص داده است.

Dr. B. Pater با بررسی‌هایی که بعمل آورده اعلام داشت که از این گیاه می‌توان نتایج مفید در رفع ناراحتی‌های زمان یائسگی، طپش قلب، تنگی نفس، نفخ، گواتر و هیپرتروفی پروستات به دست آورد ضمناً انجام آزمایشهای متعدد دیگر، فرآورده‌های این گیاه را در رفع هیستری، اختلالات عصبی، هذیان، هیجانات ناشی از ابتلای به بیماریهای مزمن، تحریک مغز تیره، دردهای عصبی، طپش قلب، ضعف قلب و غیره مفید نشان داده است.

فرآورده‌های این گیاه بطوری که Gilibert نشان داد، موجب افزایش مقدار دفع ماهیانه زنان می‌گردد.

در استعمال خارج، جوشانده آن اثر التیام دهنده بر روی غالب زخمها و جراحات داشته موجبات سرعت بهبود آنها را فراهم می‌سازد.

صورداروئی - دم کرده یا جوشانده ۳ تا ۵ گرم برگ یا گل آذین گیاه در یک لیتر آب - تنظوره/۱ به مقدار ۲۰ تا ۵۰ گرم ۳ دفعه در روز مخلوط در یک پوسیون - گرد برگ گیاه بطوریکه Matthiol توصیه نموده است، به مقدار یک قاشق سوپخوری مخلوط در شراب. **عمل رویش** - نواحی مختلف البرز، اطراف تهران، نزدیک چالوس، گیلان: راه آستارا به خلخال، لاهیجان، ایسپیلی بیلاف، مغرب ایران و خوانسار (فلور ایران) (۱).

۱- درفلورا - ایرائیکا، بجای L. Cardiaca سه گونه فرعی از آن در نواحی مختلف ایران به شرح زیر ذکر شده است:

الف - subsp. Cardiaca، گیلان: دیلمان به سمت لاروخانی، آذربایجان: بین خلخال تا اسالم در ارتفاعات ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ متری، دره قاسلو در ارومیه، و اشویه در ۱۴۵۰ متری، سهند نزدیک ليقوان در ۱۹۰۰ متری، دیزه سیامک، اطراف ماکو، بین اهر و کالیبار در ۱۷۰۰ متری، جنوب غربی کالیبار، اصفهان: دسب کمر، نزدیک خونسار، کرمان: رابور در ۱۶۰۰ متری و همچنین در قزوین، کرج، داسغان - سمنان، قم، و رودبالا در ۲۴۰۰ متری.

ب - subsp. turkestanicus Rech. f.، خراسان، کوههای کپه داغ در ارتفاعات ۲۴۰۰ تا ۲۶۰۰ متری.

ج - subsp. persicus (Boiss.) Rech. f.، سازندران: دره هراز، جنگل کندوان در ۳۱۰۰ تا ۳۵۰۰ متری، سرکز ایران: اطراف تهران، کوههای دماوند در ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متری، رنده، کوههای توجال، نزدیک دربند در ۲۰۰۰ تا ۳۸۰۰ متری، امامزاده داوود در ۲۷۰۰ متری، شهرستانک در ۲۱۰۰ متری، کوههای الموت، قزوین، هزاربند در ۲۰۰۰ متری، کرج. **گونه فرعی اول**، مشخصات و محل رویشی، مشابه با نوع درمانی دارد.

Leonurus sibiricus L. * - گیاهی علفی، یکساله، به ارتفاع ۴۰ تا ۱۲۰ متر و دارای برگهای دمبرگ دار با پهنک پنجه‌ای و کناره دندانه‌دار و نوک تیز است. گل‌هایی به‌وضع مجتمع، به‌رنگ سفید یا قرمز و واقع در محور ساقه به‌صورت فراهم دارد. در هند و چین، هند، بعضی نواحی افریقا و آمریکا می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌شود. دانه آن دارای طعمی تند، کمی شیرین و صاف درمانی است.

در اعضاء این گیاه، الکلونیدی به نام **لئونورین** Léonurine یافت می‌شود که اثر درمانی گیاه را مربوط به آن می‌دانند.

لئونورین Léonurine، به فرمول $C_{14}H_{21}N_3O_6$ و به وزن ملکولی ۳۱۱٫۳۳ است. استخراج آن از برگ گیاه مذکور توسط Nakajima و Kubota (۱) و تعیین فرمول منبسط و سنتز آن توسط Sugiura و همکارانش (۲) انجام گرفته است. ملح کلیدرات آن با یک ملکول آب، دارای نقطه ذوبی بین ۱۹۳ و ۱۹۴ است.

خواص درمانی - دانه گیاه، اثر قاعده‌آور و بازکننده عروق خونی دارد و از آن در بیماریهای مربوط به گردش خون در عروق، به‌مقدار ۰ تا ۱ گرم در روز استفاده بعمل می‌آید.

Scutellaria galericulata L.

S. epilobiifolia A. Ham.، S. pauciflora Pantoc

فرانسه: Casside، Tertianaire، Grand Toque، Scutellaire casquée
انگلیسی: Hooded willow - herb، Skull cap
ایتالیائی: Scutellaire maggiore، Lisimachia celestre عربی: قصیده (Qassidah)

گیاهی علفی، پایه، به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر (گاهی بیشتر) و دارای ساقه‌های خشن و چهارگوش است. برگهای باریک و دراز، به‌طول ۲ تا ۴ سانتیمتر، به‌عرض ۵ - ۱۵ میلیمتر، با کناره دانه‌دار دارد. در پهنک برگ آن هیچ‌گونه تار دیده نمی‌شود. سطح فوقانی آن به‌رنگ سبز تیره و سطح تحتانی پهنک، به‌رنگ سبز روشن است. گل‌های زیبا و آبی یا بنفش رنگ آن در کناره برگها و در اواخر خرداد تا شهریور به‌حالت منفرد ظاهر می‌شود. زنبورعسل از نوش جام‌گل، به علت دراز بودن لوله جام نمی‌تواند بهره‌برداری نماید.

ترکیبات شیمیائی - برگ و گل آن دارای ۰٫۶ تا یک درصد از گلوکزیدی به نام

1 - Kubota, Nakajima, C. A. 25, 771 (1931).

2 - Sugiura et al., Tetrahedron 25, 5155 (1969).

اسکوتل لارین scutellarine ، اسید سینامیک و اسید فوماریک است .

اسکوتل لارین بر اثر هیدرولیز، ماده‌ای به نام اسکوتل لارئین scutellaréine ، آزاد می‌نمایند که به حالت خالص به دست آمده است .

اسکوتل لارین Scutellarine ، به فرمول $C_{21}H_{18}O_{12}$ (Glucuronide) است و از برگ گیاهی به نام *Scutellaria altissima* L. ، توسط Zerner, Goldschmiedt (1) و همچنین از گیاهان دیگر مانند *Centaurea scabiosa* L. توسط Charaux و Rabaté (۱۹۴۰) و از انواع دیگر *Scutellaria* در سالهای بعد استخراج شد. سنتز آن توسط Farkas و همکارانش (2) صورت گرفته است .

اسکوتل لارین، به صورت بلورهای سوزنی شکل در الکل به دست می‌آید. در گرمای بیش از ۲۳۰ درجه، رنگ تیره پیدا می‌کند. در درجات حرارت کمتر از ۳۰۰ ذوب نمی‌شود. عملاً در آب غیر محلول و در هیدراکسیدهای قلیائی و اسید استیک گلاسیال حل می‌شود . به مقدار جزئی در حلال‌های مواد آلی محلول است .

اسکوتل لارئین که از هیدرولیز اسکوتل لارین scutellarine به دست می‌آید، به فرمول $C_{10}H_7O_6$ و به وزن ملکولی ۲۸۶٫۲۳ است (3) . ماده‌ای است که از *Digitalis lanata* Ehrh. نیز توسط Rao و Ranguswani (۱۹۶۱) استخراج شده است . اسکوتل لارئین، توسط Sastri و Seshadri سنتز شده است (4) . اسکوتل لارئین ، به حالت متبلور و به صورت ورقه مانند، در متانول به دست می‌آید. در گرمای کمتر از ۳۰۰ درجه، ذوب نمی‌شود. تتراسات آن به صورت بلورهای منشوری شکل در استات اتیل به دست می‌آید. نقطه ذوب آن در گرمای ۲۳۵ - ۲۳۷ درجه است .

برای ۲ ماده مذکور اثرات درمانی ذکر نشده است ولی در مراحل آزمایشی قرار دارند .

خواص درمانی - از اعضای این گیاه مدتها جهت درمان مالاریا، مخصوصاً نوعی از آن که بتناوب در هر سه روز، تب ایجاد می‌نماید، استفاده بعمل می‌آمده است و با آنکه امروزه داروهای جدید جای آنرا گرفته، معهذاً هنوز هم در بعضی نواحی به مصارف درمان این بیماری می‌رسد . در طب عوام از برگ‌ها و گل‌های آن ، دم کرده‌های مقوی معده در نواحی مختلف تهیه می‌شود .

1 - Goldschmiedt, Zerner, Monatsh, 31, 439 (1910).

2 - Farkas et al., Ber. 107, 3878 (1974).

3 - Molisck, Goldschmiedt, Monatsh, 26, 679 (1901).

4 - Sastri, Seshadri, Proc. Indian, Acad. Sci. 23 A, 262 (1946).

محل رویش - نواحی شمال غربی ایران، آذربایجان : منطقه حفاظت شده واقع در ۴۲ کیلومتری مغرب سرداب قزلو نزدیک ارومیه، سواحل دریاچه ارومیه .

از گونه‌های مجاور این گیاه نیز برای مصارف درمانی استفاده بعمل می‌آید .

گیاهان معددی نیز در تیره نعناع جای دارند که ارزش درمانی آنها با آنکه کم است ولی به علت مصارفی که در طب عوام دارند و یا در آنها مواد مؤثر یافت می‌شود ، در کتب دارویی وارد گردیده‌اند. از بین این گیاهان به شرح چند نوع زیر اکتفا شده است :

* *Melittis melissophyllum* L.

فرانسسه : *Herbe saine* ، *Melitte des bois* ، *Melisse puante* ؛

انگلیسی: *Honey balm* ، *Balm melittis* ، *Bastard balm* ؛

آلمانی : *Basicchia*، *Melissa bastarda* ؛ ایتالیائی: *Bastardmelisse* ؛

عربی : *Turungân nitin* (ترنجان نتن)

گیاهی علفی و دارای گل‌های سفید رنگ با لکه‌های ارغوانی است. در نواحی مختلف اروپا پراکنندگی دارد ولی در ایران دیده نشده است. به حالت خشک دارای بوئی شبیه بوی کومارین (Coumarine) می‌باشد .

دارای اثر درمانی مدر و ضد نرله است از این جهت در بعضی نواحی به مصرف درمان بیماریهای مربوطه می‌رسد .

*** *Collinsonia canadensis* L.** - گیاهی علفی ، پایا و دارای گل‌هایی به رنگ

زرد و مجتمع به صورت خوشه با حالت غیر فشرده است. در امریکای شمالی می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌گردد .

ریزوم آن دارای یک گلوکزید و نوعی رزین است و چون مدر می‌باشد از آن برای درمان بیماریهای دستگاه دفع ادرار، مانند رفع ورم مثانه و سنگ کلیه استفاده بعمل می‌آید . با مصرف آن، حرکات دودی شکل روده نیز تقویت می‌یابد شروط بر آنکه به حالت گرد مصرف نشود زیرا به صورت اخیر، ایجاد تحریک می‌کند .

*** *Phlomis tuberosa* L.** - گیاهی پایا و دارای گل‌های مجتمع به رنگ گلی است .

در بعضی نواحی اروپا و آسیا سنجمله ایران می‌روید. برگ‌های جوان آن به حالت خام، مخلوط با سبزی‌های سالاد و یا به تنهایی مصرف می‌شود .

محل رویش - این گیاه در آذربایجان: دیکه داغ نزدیک جام، ارتفاعات سهند در نزدیکی شاهجردی در ۲۵۲ متری، کوه قره داغ در نزدیکی علی‌آباد، ۲ کیلومتری جنوب-

غربی کالیبار در ۲۳۰۰ - ۲۵۰۰ متری، حبش نجیب آباد در ۲۰۰ متری، قره چی بلاغی در ۲۱۰۰ متری، اهر، نزدیک رضائیه، قاسملو در ۱۵۰ متری، بین شاهپور و رضائیه در ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری، شاهین دژ در ۱۹۰۰ متری، کردستان، همدان: کوه گری می روید.

Monarda ها که قبلا در بحث گیاهان سولدتیمول به نوعی از آنها اشاره شده، دارای گونه های مفیدی به شرح زیر می باشند:

الف - *Monarda punctata* L. - گیاهی است با ساقه نسبتاً مرتفع و به ارتفاع حداکثر یک متر که در نواحی مختلف امریکای شمالی می روید و در بعضی کتب علمی چنین آمده که منشاء آن در نواحی جنوبی اروپا بوده و از آنجا بر اثر کشت های متوالی به امریکا نفوذ یافته است بنحوی که امروزه توسعه فراوان به حالت خودرود در اطراف نیویورک، ویسکانسین به سمت شمال تا تکزاس و فلوریدا به سمت جنوب در اراضی بایر و ماسه زارها پیدا کرده است. از مشخصات آن اینستکه ساقه های پوشیده از تارهای ظریف، برگهای دمبرگ دار، ساده یا نوک تیز و گلتهائی به رنگ سایل به زرد، سفوفش به لکه های ارغوانی و مجتمع به صورت دستجاتی در محور ساقه یا در قسمت انتهائی آن دارد. این دستجات را نیز براکنته های بزرگ، به رنگ قرمز یا زرد از خارج فرا می گیرد.

قسمت مورد استفاده این گیاه گلتهای آنست که از آنها، اسانس گیری بعمل می آید. برای اینکار غنچه های گل را قبل از شگفتن می چینند و به حالت تازه، بلافاصله پس از جمع آوری، تقطیر می نمایند. معمولاً از نژادهای پرورش یافته و سرغوب آن به تفاوت مقدار ۲۰ تا ۴۰ کیلوگرم اسانس بر حسب هر هکتار زمین زراعی با راندمان ۱۸٪ تا ۳۴٪ و حتی تا ۴۴٪ درصد (در نژادهای بسیار سرغوب)، به دست می آورند.

اسانس مذکور دارای ۵۰ درصد از مجموع فنل ها در انواع پرورش نیافته گیاه مذکور و ۷۴ درصد از مجموع فنل ها در نژادهای پرورش یافته است که لااقل ۶۰ درصد آنرا تیمول متبلور (Thymol cristallisé) تشکیل می دهد بعلاوه دارای کارواکربول، سینترال و سینین است. وزن مخصوص آن معادل ۰۹۴۳ می باشد. در اتر، اتردوپترول، الکل، روغن های چرب و اسانس ها حل می شود.

خواص درمانی - از گلتهای این گیاه برای درمان رساتیسم، تفرس و رفع اسهال های ساده در نواحی محل رویش توسط بومیان محل، استفاده بعمل می آید. دارای اثر نیرودهنده و رفع نفخ است.

در ایران نمی روید.

ب - *M. fistulosa* L. - که به نامهای *Bergamote sauvage* و *Wild Bergamot* نامیده می شود، گیاهی علفی، با ظاهر مشخص است. در امریکای شمالی می روید و قسمت مورد استفاده آن، گل و سرشاخه های برگدار و گلدار آنست که از آنها اسانس گیری بعمل می آید. از اعضای مختلف این گیاه، نخستین بار در سال ۱۹۳۰ میلادی توسط Muszinski و شاکردانش در ناحیه ای از لهستان به نام Vilno، اسانس گیری بعمل آمد و معادل ۰۶ درصد از آنها اسانس تهیه گردید. این اسانس، فاقد رنگ، دارای بوی مشخص و وزن مخصوصی معادل ۰۹۱۶ است. در اتر، کلروفوم و الکل حل می شود.

اسانس مذکور، مرکب از مخلوطی از تیمو کینون *thymoquinone*، تیمو هیدرو-کینون *thymohydroquinone*، کارواکربول و تیمول است.

تیمو کینون *Thymoquinone*، به فرمول $C_{11}H_{12}O_4$ و به وزن ملکولی ۱۶۴٫۲ است و در اسانس گیاهان زیر یافت می شود:

- ۱	<i>Monarda fistulosa</i> L.	از تیره	Labiatae
- ۲	<i>Callitris articulata</i> (Vahl.) Link.	-	Pinaceae

تیمو کینون، به صورت بلوریهای کوچک و ورقه مانند، به رنگ زرد شفاف و یا قرصی-شکل، در اتردوپترول به دست می آید. بوی نافذ دارد. در گرمای ۵۰ درجه ذوب می شود. به مقادیر زیاد در الکل سرد و اتر محلول است در کلروفوم، بنزن و hexane حل می گردد. در آب به مقادیر بسیار کم محلول است.

مصارفی مشابه اسانس گیاه قبلی دارد.

نام عربی آن، **برغمود بری** *Borghamúd barrî* است.

ج - *M. didyma* L. - گیاهی با اعضای معطر است و دهاقین ایالت برن (Berne)، از آن تحت نام *Golden balm* یا *Goldmelisse*، اسانسی معادل ۰۰۳ درصد به دست می آورند که فاقد تیمول و کارواکربول است.

از این گیاه، نوعی ماده تلخ به نام موناردئین کلراید *Monardein chloride* استخراج شده است (۱).

موناردئین کلراید، به فرمول $C_{24}H_{34}ClO_{17}$ و به وزن ملکولی ۷۷۷٫۱۶ است. فرمول منبسط آن توسط Birkofer و همکارانش در سال ۱۹۶۷ میلادی تعیین شده است.

موناردین کلراید، به صورت گرد قرمز رنگ و محلول در آب و متانول است. محلولهای آن، رنگ ارغوانی دارند و اگر به آنها، کربنات سدیم افزوده شود، تغییر رنگ داده بنفش می گردند. با افزودن مقدار زیادی از محلول سود و قرار دادن آنها در مقابل نور، رنگ بنفش پیدا می کنند.

نام عربی آن، شای اوسویچو Shây ôswigo است.

در تیره نعناع، گیاهان داروئی دیگری با ارزش کم نیز وجود دارند که دارای وضع پراکنده در کره زمین اند. از بین این گیاهان به شرح مختصر انواع زیر که در کتب داروئی مختلف، مفردات پزشکی و فیتوتراپی ها به آنها اشاره گردیده (Reutter) و احتمالاً بعضی از آنها به صورت سیلونیم درآمده اند، اکتفا می شود. غالب این گیاهان به علت دارا بودن اسانس، به عنوان مقوی معده و یا به مصارف مشابه می رسند.

۱ - *Anisomeles Malabarica* Br. * - گیاهی بوته مانند، به ارتفاع ۷ سانتیمتر تا

۱۰ متر و دارای برگهای بیضوی - نوک تیز، پوشیده از تار و گلتهائی به رنگ سفید است. در نواحی جنوبی هند پراکنده دارد و به اسامی Peyameratti و Mogbira نامیده می شود. بومی ناحیه ای به نام مالابر (Malabre) است و در آنجا، تحت نام Karintoomba. مورد استفاده قرار می گیرد.

برگ این گیاه به عنوان رفع دل پیچه و سوء هضم به اطفال داده می شود. دم کرده آن به عنوان معرق و مدر و اسانس آن جهت درمان رماتیسم بکار می رود بعلاوه از آن برای رفع دیسانتری استفاده بعمل می آورند.

در ایران نمی روید.

۲ - *Cunila origanoides* Briq. * - در بعضی نواحی امریکا مانند جورجیا می روید

و از آن به عنوان یک داروی اختصاصی جهت درمان گزش مار استفاده بعمل می آید.

۳ - *Eremostachys tuberosa* Bge. * - ریشه های این گیاه دارای اندوخته غذائی

است. به مصارف تغذیه می رسد و پرورش می یابد.

۴ - *Leucas aspera* Link. * - در هند می روید و از آن به عنوان داروی ضد کرم

استفاده بعمل می آورند. این گیاه ساقه علنی و برگهای باریک با کناره صاف یا موجدار دارد. گلهای آن کوچک و سفید رنگ است. از انواع سهم دیگر آن یکی *L. zeylanica* Br. * (*L. ceylonica*) و دیگری *L. cephalotes* Spreng. * است که هر دو آنها مانند نوع قبلی اثر ضد کرم دارند بعلاوه برای آنها اثر معرق قائل اند.

۵ - *Moluccella laevis* L. * - در آسیای صغیر پراکنده دارد و به عنوان

مقوی تلخ مصرف می شود.

۶ - *Ocimum minimum* L. * - گیاهی است که در سودان می روید و سرشاخه های

برگدار آن به عنوان مقوی معده مصرف می شود.

۷ - *Prostanthera cinerifera* Lam. * - گیاهی است که در استرالیا می روید

و اسانس آن دارای ۶۱ درصد سینئول، تیمول، پاراسیمین، Carveol و الدیئید کومینیک است. اثر مقوی معده دارد.

۸ - *Ramona stachyoides* Briq. * - گیاهی به صورت بوته های چوبی و دارای

اعضاء هوائی معطر و اسانس دار است. در نواحی جنوبی کالیفرنیا می روید ولی در ایران یافت نمی شود. از برگ و سرشاخه های گلدار آن، بوسیله تقطیر با بخار آب اسانسی معادل ۰۷۵ درصد وزن گیاه، به دست می آید که به وزن مخصوص ۰۹۱۴۴ ر. است. این اسانس اگر تحت

اثر برودت قرار گیرد، نوعی کامفرد کستروژیر رسوب می دهد بعلاوه دارای سینئول و تیون، به حالت ترکیب با اترهای اسیدهای فرمیک و استیک است.

۹ - *Thymbra spicata* L. * - گیاهی چندساله، بوته مانند و دارای برگ و اعضای

هوائی معطر و اسانس دار است. در یونان می روید. از تقطیر آن با بخار آب، اسانسی به رنگ مایل به زرد بابوئی مطبوع شبیه بوی آویشن و اوریکان به دست می آید. وزن مخصوص این اسانس معادل ۰۹۴۶ ر. است و قسمت اعظم آنرا نیز کارواکرول تشکیل می دهد.

پلوم باژیناسه Plumbaginaceae

گیاهانی علنی یا به صورت درختچه و یا بوته های خاردار با ظاهری کاسلا مشخص اند.

برگهای بدون استیبول (زائده زیر برگ)، ساده، کامل، منفرد یا گسترده در سطح زمین دارند.

گلهای آنها نر - ماده و غالباً دارای براکته های خشن در قاعده کاسه گل است بطوری

که مجموعه پوشش گل و براکته ها، گل آذینی با ظاهر پرپشت بوجود می آورند. کاسه گل آنها

مرکب از ۵ کاسبرگ پیوسته به هم (غالباً غشائی) و جام گل آنها به صورت یک قیف منتهی به

۵ لوب مشخص است. معدودی از آنها نیز گلبرگهای جدا از هم به وضع متمایز دارند.